

دکتر منصور رستگار پناه
دانشکده داروسازی
دانشگاه علوم پزشکی تهران

داروسازی و توسعه

در حقیقت داروسازی، در مسیر تکاملی و توسعه یافتگی پیش میرفت و این تحول به دلیل حکمتی که در وجود بشر و تکامل او متصور است بوقوع پیوست. علم داروسازی بالینی همانند نظام طبیعت، بر قواعد و قوانینی استوار است و تابع اصول عقل و منطق می‌باشد.

هرچند مبحث داروسازی بالینی و نقش آن در توسعه، در جامعه امروز ما در دوران طفولیت نظری خود بسر می‌برد، اما امیدواریم که اندیشمندان و نخبگان علوم داروسازی کشور عزیزمان با طراحی دقیق و بحث و جدل به یک نمونه عینی و مطلوب برای پیاده کردن در جامعه رو به توسعه ایران اسلامی اهتمام

در کشوری که در حال توسعه و رشد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، همه اقشار آن جامعه باید با این حرکت همگام باشند و جامعه پزشکی از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی، علی‌الخصوص در علوم مختلف پزشکی و پیدایش نیازهای جدید در جوامع بشری، انقلاب و تحولی بنیادی در ساختار علوم داروسازی رخ داد. داروسازان نقش پویا و جدیدی را در نظام دارو درمانی بعهده گرفتند. این نقش تالیفی از دانش فنی داروسازی (PHARMACEUTICAL SCIENCES) و علم درمانشناسی (THERAPEUTIC SCIENCES) بود.

ورزند.

بطور کلی، اگر انسان‌ها و جوامع بشری در اندیشه بهبود و حرکت از وضع کنونی به وضع مطلوب نباشند، طبیعی است که توسعه و پیشرفت برای آنها نیز بی‌مفهوم باشد. توسعه نیازمند شناخت توانائی‌ها، امکانات و نیروهای بالقوه و بالفعل می‌باشد و دوراندیشی، نظم و محاسبه عقلی و انجام درونی از ارکان توسعه می‌باشند. البته توسعه قبل از آنکه به پول، سرمایه، تکنولوژی و مدیریت وابسته باشد، به فکر، اندیشه و شناخت، از طریق بررسی‌ها و تحقیقات احتیاج دارد.

بنابراین بطور اخص تحقیق در جامعه‌ای که توسعه، یک حرکت جدی تلقی شود از پایه‌های استمرار آن بشمار می‌رود و در این صورت است که برخوردهای سلیقه‌ای، غیرتخصصی و مقطعی به حداقل خود می‌رسند. داروسازی بالینی به چنین برخورد و نگرشی نیاز دارد. متغیرهای مؤثر در اجرای طرح جامع داروسازی بالینی عبارتند از:

- ۱- خط مشی‌های بلند مدت نظام بهداشتی درمانی
 - ۲- ساختار تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران
 - ۳- خصوصیات و توانائی‌های مجریان این طرح
 - ۴- ویژگی‌های محیطی
 - ۵- خط مشی‌های واحدهای دیگر
 - ۶- عکس‌العمل‌های محیطی
- مهم‌ترین پایه توسعه در یک جامعه رو به

رشد نظام آموزشی آن است. بالاترین سرمایه‌گذاری‌ها و کیفی‌ترین برنامه‌ریزی‌ها باید در نظام آموزشی و پژوهشی اجرا شود. بنابراین جایگاه داروسازی بالینی در نظام آموزشی و پژوهشی باید مشخص گردد، روح یک جامعه با اندیشه و خلاقیت زنده است و این ویژگی‌ها در محققان و عالمان دلسوز و متعهد یافت می‌شود. هر جامعه‌ای به قشر اندیشمند خود نیازمند است تا با آینده‌نگری به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بپردازد. آینده‌نگری بالطبع جامعه را به فکر بهبود، رشد و ارتقاء می‌اندازد و علم و تحقیق می‌تواند در همین راستا زمینه‌های توسعه را فراهم سازد.

● شناخت صحیح از فلسفه وجودی داروسازی بالینی، این آگاهی را به ما می‌دهد که بتوانیم بطور منطقی و عقلائی داروسازی بالینی را در جامعه پزشکی ایران پیاده کنیم.

یکی از ویژگی‌های یک جامعه رو به توسعه این است که دائماً به نقاط قوت و ضعف روش‌های خود توجه کند. دیرزمانی است که داروسازی نیازمند به ارزیابی و بازنگری و اصلاح ساختاری می‌باشد. ایجاد جایگاهی برای داروسازی بالینی در جامعه نیازمند به اصلاحاتی در سیاست‌گذاری‌ها و چارچوب تشکیلاتی نظام دارودرمانی می‌باشد. ما اگر بخواهیم یک الگوی فکری و عملی برای پیاده کردن داروسازی بالینی در جامعه

پیدا کنیم، می‌توانیم از سه منبع مختلف بهره‌برداری کنیم:

۱- استفاده از تجربیات دیگران

۲- شناخت ارزش‌های ملی و فرهنگی

۳- استنباط صحیح از واقعیات جامعه

شناخت صحیح از فلسفه وجودی داروسازی بالینی، این آگاهی را به ما می‌دهد که بتوانیم بطور منطقی و عقلانی داروسازی بالینی را در جامعه پزشکی ایران پیاده کنیم.

تاریخچه:

از اواسط دهه پنجاه میلادی اندیشه «نقش مستقیم داروساز در درمان» میان اندیشمندان داروسازی شکل گرفت. مقتضیات زمانه، حرفه داروسازی را از مرحله ساختن دارو (APOTHECRY) به توزیع کننده دارو مبدل کرد. این تغییر و تحول باعث گردید که عالمان داروسازی به این معنی توجه کنند که با توسعه و گسترش علم، حیطه فعالیت داروسازی نیز بایستی گسترش یابد و بطور مستقیم در چرخه درمان نقشی فعال داشته باشد. به همین دلیل برخی از دروس اختصاصی رشته پزشکی به واحدهای داروسازی با گرایش بالینی اضافه گردید. از جمله:

۱- آناتومی انسان

۲- پاتولوژی (آسیب شناسی)

۳- درمان شناسی

۴- CLINICAL CHEMISTRY (جهت بررسی

و تحلیل نتایج آزمایشگاهی)

۵- اصول تشخیص بالینی

۶- دوره‌های عملی در بخشهای مختلف بیمارستانهای آموزشی با تیم پزشکی (حداقل یکسال)

● **ایجاد جایگاهی برای داروسازی بالینی در جامعه نیازمند به اصلاحاتی در سیاست‌گذاری‌ها و چارچوب تشکیلاتی نظام دارو درمانی می‌باشد.**

از نظر تئوری، داروسازی بالینی به مثابه کنترل مصرف داروها، که در واقع دربرگیرنده علم، مهارت و اخلاق پزشکی مورد نیاز برای مصرف صحیح داروها می‌باشد.

اغلب فعالیت داروسازی بالینی در محیط بیمارستان و مراکز دارو درمانی (کلینیک‌ها، خانه سالمندان و ...) که به درمان بیماران بستری و سرپائی مشغول هستند انجام می‌پذیرد. استفاده از تجربیات دیگران در پیاده کردن داروسازی بالینی این امکان را به ما میدهد که از دوباره کاری‌ها و اشتباهات جلوگیری کنیم و در حل معضلات و مشکلات احتمالی از روش‌های آنان استفاده کنیم.

لازمه موفقیت طرح داروسازی بالینی در کشور ما، شناخت ارزش‌های ملی فرهنگی نسبت به سلامتی و درمان و همچنین استنباط صحیح از واقعیات و عینیات جامعه پزشکی می‌باشد.

امروزه با توجه به شرایط اقتصادی کشور، تغییراتی در سیستم ارائه خدمات درمانی

بوجود آمده است. با یک نرخى شدن ارز متعاقباً افزایش هزینه‌های دارودرمانی، مهار و کاهش هزینه‌های غیرضروری الزامی می‌باشد. در همین حال، عدالت اجتماعى ایجاب می‌کند که همه آحاد ملت از خدمات درمانى مطلوبی برخوردار باشند.

سه نیاز اساسی هر انسان عبارت است از: ۱- غذا ۲- لباس ۳- مسکن و چهارمین آن که لازمه بقاء است «سلامتی» است. دارو در این رابطه نقش حیاتی را دارا می‌باشد و از این روست که دارو و داروساز در جامعه از جایگاه و منزلت مقدس و خاصی برخوردار است و همیشه مورد توجه خاص قانونگذاران و سیاست‌گذاران و مطبوعات می‌باشد. اگر بخواهیم که حرفه داروسازی رشد و توسعه یابد، باید اصلاحاتی در زمینه‌های ذیل صورت پذیرد:

- ۱- رابطه داروساز با دیگر حرف پزشکی
 - ۲- وضعیت داخلی و روابط فی‌مابین حرفه‌ای
 - ۳- جایگاه حرفه داروسازی در دوران توسعه
 - ۴- نظام آموزشی و پژوهشی داروسازی (گرایش بیشتر به مطالعات بالینی)
 - ۵- نظام اقتصادی داروئی در جهت کاهش هزینه‌های سرانه داروئی
- داروسازان بالینی با ارائه خدمات کیفی به بیماران می‌توانند با نظارت بر حسن اجرائی دارو درمان صحیح در ارتقاء سطح سلامت و بهداشت جامعه نقشی بسزا داشته باشند. از

آنجائیکه بیمارستان‌های آموزشی می‌توانند محیط مناسبی برای تربیت دانشجویان دوره داروسازی بالینی باشد، لذا همکاری واحدهای مختلف بیمارستانی و کلینیکی در هموار نمودن و پذیرش این ایده می‌تواند باعث موفقیت هرچه بهتر آن شود.

اصولاً سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نباید عمدتاً با منافع اقتصادی همراه باشد و بجای آن باید با عقل و منطق ممزوج باشند. معمولاً بسیاری از دیدگاهها، نگرش‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در کشورهای جهان سوم از نظر منطقی و عقلی کمی دور است و یکی از علل عقب‌افتادگی این کشورها از فرآیند توسعه همین می‌باشد.

نقش داروسازی بالینی در دوران توسعه احتیاج به بررسی و کند و کاو بیشتری دارد و امیدواریم با برخورد منطقی و صیقل اندیشه‌های خام بتوانیم به معنی واقعی والگوری مناسب برای پیاده کردن در جامعه اسلامی خود برسیم.

اهمیت داروسازی بالینی زمانی مشخص می‌شود که با اجرای اصول و روش‌های بدیع و پویای آن ۴۰-۲۰ درصد از اشتباهات دارو درمانی، تداخلات داروئی کشنده و ضایعات جانی و مالی جلوگیری شود، بدین ترتیب نقش حیاتی داروساز بالینی در درمان بیماران بخوبی آشکار شده و در واقع بحث پیرامون مهم‌ترین سرمایه یک جامعه که انسانهای آن می‌باشد، شکل گرفته و به نتیجه می‌رسد.